

هتك ناموس و روابط جنسی نا مشروع

سرور گرامی جناب آقای محمود سرشار

امر فرمودید رساله ای که در موضوع « هتك ناموس و روابط جنسی نا مشروع » بزبان فرانسه تهیه کرده بودم بفارسی نیز ترجمه کرده و برای درج در مجله کانون وکلا تقدیم دارم. هر چند رساله مزبور با توجه بدرجة فضل و دانش همکاران گرامی وارجمند بسیار ناچیز است معذالک برای استثال امر آنجناب بضمیمه چند صفحه ای از آنرا تقدیم مینمایم و امید است برای شماره های آینده نیز بتدریج بقیه قسمتهای آنرا تهیه و تقدیم نمایم.

رساله مزبور شامل یک مقدمه، سابقه تاریخی و بحثی در باره قوانین موجود است که ذکر مقدمه مزبور در اینجا موردی ندارد. مختصراً زحمت افزا میشود که این مقدمه در باره مبنا و سابقه قانون گزاری در ایران بوده و جهات اختلاف آنرا با قوانین خارجی کم و بیش روشن مینماید.

فصل اول - سابقه تاریخی

قوانین هر کشوری باتوجه بسوابق تاریخی و ملی تنظیم گردیده بنا براین بجا است اگر ما هم برای درك واقعیت امر و تحقیق در باره سابقه تاریخی جرم هتك ناموس و زنا بعقب برگردیم.

ایران کشوریست که چند هزار سال سابقه تاریخ مدون دارد. لذا اگر بخواهیم اساس و ریشه جرائم مورد بحث را مورد تحقیق قرار دهیم لازم میآید که کتب پیشماری در این باره نوشته شود ولی چون غرض ما از سابقه تاریخی ریشه و اساس مجازاتهای فعلی است لذا دامنه بحث را محدود به زمان بعد از اسلام مینمائیم. قوانین ایران که غالباً فقط از تصویب کمیسیون دادگستری گذشته از نظر فرم و شکل تابع قوانین بلژیک و فرانسه از نظر اصول متوجه مقررات دین اسلام میباشد. در اینجا چون منظور ما مطالعه در فرم این قوانین نبوده و بلکه درباره ریشه و اساس آنها صحبت میکنیم لذا راه تحقیق را کوتاه کرده و بمطالعه مقررات اسلامی در باره زنا میپردازیم.

اصولاً دین اسلام بدو دلیل مجازاتهای سنگین و قابل ملاحظه ای برای مرتکبین زنا (علی الاطلاق) در نظر گرفته است. یکی بجهت موقعیت خاص اعراب تا قبل از ظهور اسلام و دیگری حقوقی که اسلام بزنان اعطا کرده و تسهیلاتیکه برای ازدواج قائل شده است.

مورد اول - مردم عربستان در زمان ظهور اسلام نسبت بزنان نظر خوبی نداشتند

هنك ناموس و روابط جنسی نامشروع

و وجود دختر را ننگ میدانستند زیرا آب و هوای مناطق گرمسیر عربستان از طرفی، و زندگی خانه بدوشی و فقر بیحساب مردم از طرف دیگر دو عامل خطرناکی برای دختران زودرس صحرا بود. از طرفی دختران در سنین نه و ده سالگی میتوانند وظایف زناشویی را بنحو کاملی انجام دهند و از طرف دیگر فقر زیاد مردم مانع از اجرای مقررات رسمی ازدواج بود و زندگی خانه بدوشی نیز در این میانه در جلوگیری از ازدواج کم و بیش مؤثر بود.

جهات مزبور موجب بروز روابط غیر مشروع بحد و فور میشد. برای مردان خانواده‌ایکه دخترشان فریب خورده بود نگهداری چنین دختری مایه ننگ بود بدین جهت با کمال گستاخی و پرا از میان بر میداشتند و بدینوسیله میخواستند قبل از اینکه دیگران از وجود چنین رابطه‌ای باخبر شوند بخیال خود دفع شر کرده باشند. غالباً عده‌ای پارا از این مرحله هم فرا تر گذارده و بمحض اینکه دارای دختری میشدند و پرا با بیرحمی و تساوت عجیبی زنده بگور میکردند تا مبادا در آینده دختر مزبور موجب بروز ننگی برای آنان بشود.

از این واقعیت تاریخی داستانهای بی‌شمار بیادگار مانده و خود نگارنده در ایام طفولیت بارها داستان پادشاهانی که دخترانشان را پس از تولد بلافاصله بدست جلاد سپرده‌اند بسیار شنیده‌ام. محقق است که اساس و ریشه این داستانها از زمان عرب قبل از اسلام سرچشمه گرفته است.

بهر حال این نقص و ننگ بزرگ بردامان مردم صحرائشین عربستان بود تا زمانی که دین اسلام بر مردم آن سامان ظهور کرد و با اجرای عدالت واقعی بمردم بدوی فهماند که ریشه فساد و تباهی در جای دیگریست و از زنده بگور نمودن دختران فایده‌ای عاید نمی‌گردد و بایستی چاره دیگری برای رفع این گرفتاری نمود.

مورد دوم - تسهیلات خاصه اسلام برای ازدواج و حرمت زنان - از جمله اقداماتی که دین مبین اسلام برای ریشه کن ساختن زنا کرده یکی حقوقی است که برای زن قائل گردیده و دیگر تسهیلات خاصی است که برای ازدواج در نظر گرفته است. بحث در این دو مورد با این رساله مختصر ممکن نیست و همان بهتر که از شرح و تفصیل خودداری کنیم. متقابلاً برای جلوگیری از فحشاء نیز مقررات و مجازاتهای سنگینی وضع نموده است که ذیلاً بشرح آن میپردازیم.

زنا در اسلام

تعریف جرم - از نظر اسلام زنا عبارتست از نزدیکی مرد بازن بنحوی که آلت تناسلی مرد در قسمت تناسلی زن داخل گردد بطوریکه در آن مخفی گردد. مشروط بر اینکه طرفین عاقل و عالم بر تحریم و مختار در عمل باشند.

باتعریفی که شارح از زنا نموده است عناصر مادی و معنوی جرم عبارت است از:

۱ - مرد زانی

۲ - زن زانیه

هتك ناموس و رواج جنسی نامشروع

۳ - عمل مادی

۴ - عقل

۵ - علم بتحریم

۶ - اختیار در عمل

سه فقره اول عناصر مادی و فقرات بعدی عناصر معنوی جرم میباشند.
اینک توصیف هر یک :

در مورد عناصر مادی مطلب قابل توجهی وجود ندارد. آنچه مهم است اینکه مرد و زن بایستی بالغ باشند و از عهده انجام وظیفه زناشوئی بمعنای خاص آن برآیند. بنابراین اگر مردی با دختری که هنوز آمادگی برای انجام وظیفه خاص زناشوئی ندارد نزدیکی کند فقط مرد قابل مجازات است و یادرحالت عکس آن اگر زنی از پسر نابالغی متمتع شود فقط مشارالیهها قابل مجازات است. اما در مورد عناصر معنوی جرم به تفصیل بیشتری نیازمندیم.

اول - عقل - زانی یا زانیه بایستی دارای قوه عاقله باشد بنا براین مجنون و دیوانه یا طفلی که هنوز قوای عقلانی او کامل نشده باشد از تعقیب و مجازات مصون است.

دوم - علم به تحریم - اگر زانی یا زانیه و یا هر دوی آنها تصور نمایند که عمل وی مشروع است از مجازات معاف است ولی طرفی که از وجود مانع مستحضر بوده بمجازات خواهد رسید.

سوم - اختیار در عمل - در مورد این قسمت امکان وجود اجبار برای زن می رود ولی ظاهراً اینطور بنظر میرسد که در مورد مرد مسئله اجبار امکان پذیر نیست بعبارت دیگر ظاهراً هیچ مردی را نمیتوان مجبور به همجواری با زنی نمود. در این مورد بایستی دید منظور نظر شارع از اجبار فقط جنبه فیزیکی آن مورد توجه میباشد یا اینکه اجبار معنوی نیز مطمح نظر است اگر شق اول را قبول کنیم دیگر موردی برای معافیت مرد از مجازات بعنوان اجبار باقی نمی ماند ولی اگر قبول کنیم که اجبار معنوی نیز مورد توجه شارع اسلام بوده است میتوان قبول کرد که مردی فی المثل برای تهیه فرار از مرگ با زنی نزدیکی کند. البته بنظر اینجانب و با توجه بموارد مشابه (دزدی و خوردن گوشت حرام برای جلوگیری از مرگ که فقط عنوان اجبار معنوی میتوان بآن داد) اشکالی ندارد که قبول کنیم اجبار مرد نیز در مورد زنا امکان پذیر است.

ثبوت جرم - بایستی در نظر داشت بهمان اندازه که دین مبین اسلام مجازات زانی یا زانیه را سخت گرفته است برای اثبات آن نیز وجود دلائل کافی و قانع کننده ای را لازم دانسته است. این دلائل عبارتند از :

۱ - اقرار مرتکب

۲ - شهادت شهود.

۱ - اقرار مرتکب بایستی مشروط بشروط خاص باشد. اولاً بایستی در نزد

امام وقت بعمل آید. ثانیاً چهارنوبت تکرار گردد. ثالثاً بین هراقراری با اقرار بعدی فاصله کافی وجود داشته باشد که مقر مجال فکر کردن در باره عاقبت آنرا داشته باشد. رابعاً برای اخذ اقرار استفاده از شکنجه و فشار ممنوع است. خامساً مقر حق دارد اقرار های سه گانه قبلی را انکار کند.

۴ - شهادت شهود - در شهادت شهود، اسلام مراتب مختلفی را در نظر گرفته است و این مراتب عبارتند از اولاً شهادت چهارمرد عادل. دوماً شهادت سه مرد و دو زن عادل. سوماً شهادت دو مرد و چهار زن عادل. برای شاهد شش صفت در نظر گرفته شده از آن جمله است بلوغ - کمال عقل - ایمان و عدالت. بدیهیست جمع شدن شش صفت در اشخاص نادر است و بعلاوه برای ادای شهادت نیز ترتیب خاصی مورد نظر است که قسمتی از آن بشرح زیر است:

یکم آنکه تعداد شهود بایستی بمیزان مقرر در شرع باشد. چنانچه عده نامبردگان از تعداد مصرحه کمتر بوده و اصرار در ادای شهادت نمایند بعنوان دروغگو قابل تعقیب و مجازات بوده و بهر یک از آنان یکصد تازیانه زده خواهد شد.

دوم آنکه شهادت شهود بایستی بنحو دسته جمعی باشد نه انفرادی بدین معنی که کلیه شهود متفقاً در محضر امام حاضر شده عین آنچه شخصاً دیده اند بیان کنند مخصوصاً ذکر این نکته که وقوع عمل مادی جرم یعنی دخول آلت تناسلی مرد را بنحو کامل در قسمت زن شخصاً دیده اند کمال اهمیت را دارد. ملاحظه میشود که ادای شهادت در این باره کار آسانی نیست و تعمد اسلام در برقراری مقررات مشکل نسبت بشهادت بطور کلی و برای زنا اختصاصاً از این جهت بوده که هر کس نتواند مدعی وقوع زنا بین دیگران بشود و بر آن شهادت بدهد.

مجازات زنا - شرع مقدس اسلام نسبت به نحوه عمل و شدت وضعف مسئولیت مجرم مجازاتهای متنوعی معین کرده است که در اینجا عیناً شرح داده میشود - منتهی سعی ما براینستکه آنها را طبقه بندی نموده و مانند قوانین امروزی هر یک را جداگانه مورد بحث قرار دهیم:

۱ - مجازات مرد زانی - مجازاتهای مقرر در اسلام برای زنا غالباً جنبه تریبی و تزدیلی هر دو را داشته است ولی موارد خاصی هم بوده که مجازات فقط جنبه حیثیتی داشته و بهر حال این مجازاتها عبارتند از:

الف - اگر مرد آزاد باشد (یعنی زن نداشته باشد) مجازاتش صد تازیانه است و سپس سر وی را میتراشند و از شهری که در آن مرتکب جرم شده است برای مدت یکسال تبعیدش میکنند.

ب - اگر مرد زن داشته باشد - در این مورد دو حالت ممکن است پیش آید. حالت اول در صورتیکه مرد نتواند از زن خود متمتع گردد مانند اینکه در مسافرت باشد یا اینکه زن وی در حالت ماهیانه باشد و نتواند از عهده انجام وظائف زناشوئی بر آید. در این صورت مجازات مرد زانی مانند مجازات مردیست که زن ندارد. زیرا منظور شارع

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

از اینکه مجازات مرد زن دار را سنگین تر از مجازات مرد آزاد از علقه زوجیت گرفته این بوده که شخص اخیر میتواند هر موقع بخواهد رفع احتیاج نماید و اگر زن وی بعلتی نتوانست این احتیاج را مرتفع نماید دیگر فرقی فیما بین مرد مزبور با یکنفر عذب باقی نمیماند و اگر در این صورت مجازات ویرا سنگین تر بگیریم نقض غرض خواهد شد. حالت دوم اگر مرد زن داشته باشد و برای رفع نیاز جنسی نیز مانعی وجود نداشته باشد و مرد مرتکب زنا شود مجازات وی پس از ثبوت جرم بدو صد تازیانه و سپس سنگسار کردن است. (نحوه سنگسار کردن را بعداً مطالعه خواهیم کرد).

ج - در صورت وجود یکی از شرایط چهارگانه زیر مجازات مرد مرگ بوده اعم از اینکه آزاد باشد یا ازدواج کرده باشد پندیده باشد یا حرام نسبی و رضائی - زنا بازن پدر - زنا با کراه و زنا با کافر بازن مسلمان - باید در نظر داشت که وقوع صیغه عقد ازدواج بتنهائی کافی برای تشدید مجازات مرد نبوده و بایستی دخول واقع شده باشد بنابراین اگر مردی بازنی ازدواج کرد ولی قبل از موافقه با وی بازن دیگری زنا نمود در حکم مرد عذب محسوب خواهد شد.

۲ - مجازات زن . برای مجازات زن نیز مراتبی تعیین گردیده است :

۱ - در صورتیکه زن ازدواج کرده باشد و بتواند از شوهرش تمتع بگیرد در اینصورت عمل وی موسوم به زنا محصنه و مجازاتش مانند مرد بدو تازیانه و سپس سنگسار نمودن است.

۲ - در صورتیکه زن شوهر دار با طفل نابالغ زنا نماید مجازاتش صد تازیانه است و در صورتیکه مشارالیه با مجنون زنا نماید مستحق سنگسار شدن است.

۳ - اگر زن در علقه زوجیت کسی نباشد مجازاتش تراشیدن موی سر است. آنچه در باره مجازات زانی و زانیه گفته شد فی الواقع شامل کیفیات مشدده هم میباشد و بطور خلاصه میتوان مجازات عادی مرد را صد تازیانه و سپس تراشیدن موی سر و نفی بلد دانست و مجازات زن نیز چیدن یا تراشیدن موی سر است و بقیه مجازاتها را میبایستی جزء کیفیات مشدده جرم دانست. و نیز کیفیات مخفیه ای هم وجود دارد که عبارت است از حالتی که شوهر یا زوجه بجهتی از جهات نتوانند از یکدیگر تمتع شوند که در اینصورت مجازاتشان تا حد قابل ملاحظه ای تخفیف داده میشود.

مصونیت از مجازات - موارد خاصی پیش بینی شده است که حتی بعد از اقرار میتوان وقوع جرم را انکار کرد و در صورتیکه انکارکننده حائز شرایط کافی باشد از مجازات معینه مصون خواهد ماند. بعلاوه پیش بینی شده در صورتیکه مجرم قبل از ثبوت جرم در نزد امام توبه کند امام میتواند توبه ویرا بپذیرد و از مجازات مصونش بدارد - و نیز در صورتیکه زانیه حامله باشد تا وضع حمل و بی نیازی طفل از حیث شیر خوردن ، مادر وی از مجازات مصون است و لوائیکه طفل مزبور ناشی از زنا باشد.

همچنین زن بیمار و زنی که در حالت عادت ماهیانه باشد تا پایان مرض و یا گذشت بدت عادت از شلاق خوردن معاف است - معذالک چنانچه زدن شلاق درباره وی ضروری

هتك ناموس و روايت جنی نامشروع

باشد هر زمان که حالت وی اقتضا نمود بایکگسته چوب نازک که صد شاخه باشد برای یکبار وی را مضروب خواهند نمود . عدم اجرای محازات شلاق زدن مانع از اجرای سنگسار نمودن نیست . در مورد زانی اگر وی بحرم کعبه پناهنده شده باشد نمیتوان وی را بزور و عنف از حرم خارج ساخت ولی میتوان از رسیدن آذوقه بوی جلوگیری کرده و او را بدینطریق مجبور بخروج از حرم نمود . اما در صورتیکه عمل زنا در حرم واقع شده باشد زانی در محل وقوع جرم شلاق زده خواهد شد .

ترتیب سنگسار کردن - زانی را تا کمر (تهی گاه) و زانیه را تاسینه در شن فرو میکنند و چنانچه جرم وسیله اقرار بجرم ثابت شده باشد سنگ اول وسیله امام پرتاب خواهد شد . در صورتیکه جرم بوسیله شهادت شهود ثابت شده باشد سنگ اول را شهود میافکند . سایر امور مربوط به سنگسار نمودن از حوصله این رساله خارج است و ما از بحث در باره تعداد و اندازه سنگها و اشخاصی که ذیحق در پرتاب آن بوده اند خود داری میکنیم .

تکرار جرم - امکان وقوع تکرار خیلی نادر بوده زیرا غالباً اگر زن یا مرد در علقه زوجیت باشند در اینصورت مرگشان حتمی است . معذالک در مواردی که این امکان وجود داشته باشد مرتکب در نوبت های بعدی دچار مجازات سنگین تری میگردد . فی المثل در صورتیکه زانی در نوبت اول بصد ضربه شلاق محکوم شود در نوبت دوم تعداد شلاق دو برابر میشود و در نوبت سوم محکوم بمرگ میگردد . و در مورد زن نیز بهمین ترتیب مجازات رو بشدت میرود و بالاخره در نوبت چهارم مجازاتش مرگ است . این خلاصه ای از مقررات شرع اسلام بود که تا سال ۱۳۰۴ شمسی در محاکم شرعی ایران لازم الاتباع محسوب میشد و کلیه مجرمین بجرم زنارا بموجب آن مجازات می کردند .

قانون مجازات ۱۳۰۴ - این قانون که از تصویب کمیسیون دادگستری گذشته جانشین مقررات خاصه اسلامی گردیده است . طبیعیت که قانون مزبور بطور کلی از مقررات دین مبین اسلام عدول نکرده و بلکه در موارد عدیده از آن پیروی نموده است . از جمله فصل پنجم آن که در خصوص جرائم برضد اخلاق حسنه و عفت بوده است محاکم شرع را در شرایط خاصی برای تعقیب و تعیین مجازات زانی واجد صلاحیت دانسته است . ولی چون قانون مزبور بعداً در سال ۱۳۱۲ مورد جرح و تعدیل فراوان قرار گرفته و از اقتدار محاکم شرع بطور کلی کاسته شده است لذا بحث ما درباره آن مختصر خواهد بود .

آنچه از این قانون مورد نظر است بشرح زیر میباشد .

ماده ۴۰۷ - مرتکب لواط و زناى محصنه و زناى با محارم نسبی و زناى بعنف در صورتیکه جنایت مطابق مقررات شرعیه ثابت شود اعدام میگردد والا در محاکم عمومی محاکمه و مطابق مواد زیر مجازات خواهد شد .

ماده ۴۰۸ - هرکس بعنف یا تهدید یا آکراه هتك ناموس دیگری را اعم

هتك ناموس و روايت جنسی لامشروع

از ذکور و اناث نماید جزای او حبس با اعمال شاقه از چهار تا دوازده سال و اگر فاعل لله یا نوکر یا مستخدم یا معلم یا مشاق یا کلیه اشخاصی باشد که سمت صاحب اختیاری نسبت بمجنی علیه دارند جزای او حبس با اعمال شاقه از پنج الی پانزده سال خواهد بود. اگر فاعل از اقربای تا درجه سوم مجنی علیه باشد مجازات او حبس دائم با اعمال شاقه است.

ماده ۴۰۹. هرکس بدون اکراه یا تهدید هتك ناموس دختری را که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده است بنماید جزای او حبس مجرد است ازدو تا هشت سال و اگر مجنی علیها به نه سالگی نرسیده باشد بفاعل جزای کسیکه بعنف یا تهدید یا اکراه مرتکب شده باشد داده میشود.

ماده ۴۱۲. درمورد زنای بعنف یا تهدید یا اکراه و همچنین در موارد مذکوره در ماده ۲۰۹ محکمه میتواند مرتکب را محکوم نماید که پنجاه الی دو هزار تومان بمجنی علیه تأدیه کند.

ماده ۴۱۳. هرکس بکارت دختری را عنفاً زائل نماید بعد اکثر مجازاتی که در مورد برای هتك ناموس مقرر است محکوم خواهد شد و اگر ازاله بکارت بعنف نبوده و مشمول ماده ۲۰۹ نباشد مرتکب بحبس تأدیبی از ششماه الی یک سال محکوم خواهد شد و اگر ازاله بکارت بطریقی غیر از موافقه بوده است مجازات مرتکب حبس تأدیبی از یک الی سه سال خواهد بود و بعلاوه در هر صورت مرتکب بتأدیه پنجاه الی دو هزار تومان در وجه مجنی علیها محکوم خواهد شد.

با توجه بمواد پنجگانه فوق اولاً معلوم میشود که مرتکب زنا ممکن بوده است یکی از دونوع مجازات شرعی یا قانونی محکوم شود.

الف - مجازات شرعی - برطبق ماده ۲۰۷ قانون سابق چنانچه عمل ارتکاب زنا در سه حالت برطبق قواعد شرع (که ما آنرا قبلاً توضیح داده ایم) ثابت شود مجازات مرتکب اعدام است. البته در اینجا اسمی از نحوه اعدام برده نشده و معلوم نیست که منظور قانون گذار سنگسار نمودن زانی بوده است یا اعدام بطور عادی که برای سایر جرائم در نظر گرفته شده است. علت تعبیه این مقررات و علی الاصول علت وجودی ماده ۲۰۷ قانون مجازات سابق را بایستی اینطور توجیه کرد که بنیان گزاران قانون مجازات مایل نبوده اند بطور کلی قانون مزبور را از شریعت اسلام که مورد توجه مردم بوده و هست بیگانه سازند و با تعبیه این ماده هم محاکم شرع را راضی نگاه داشتند و هم اجرای احکام صادره از این محاکم، آنهم در صورتیکه اثبات وقوع جرم طبق شرایط شرع امکان پذیر میبود، بادست قوه مجریه امکان پذیر بود. بهر حال سه موردی که مطمح نظر ماده ۲۰۷ سابق قرار گرفته بوده عبارت بوده از زنای محصنه - زنای با محارم نسبی و زنای بعنف و ما در فصل آتی بتفصیل نسبت بهریک از آن سه حالت بحث خواهیم کرد.

ب - مجازات قانونی - چنانچه جرائم مورد بحث، وسیله محاکم شرعی قابل ثبوت نمیبود آنگاه محاکم قضائی مرتکب را برطبق دلائل عادی تعقیب نموده و در صورت ثبوت جرم در محکمه صالحه ویرا مجازات مینموده اند. مجازات مرتکب زنا برطبق قانون

هتك لاموس و روابط جنسی لامفروع

سابق از ششماه حبس تأدیبی تا حبس ابد با اعمال شاقه و جزای نقدی از پنجاه الی دوهزار تومان متغیر بوده است. کیفیات مشدده مورد توجه بوده ولی کیفیات مخففه مطلقاً وجود نداشته منتهی محکمه میتواند در صورت وجود قرائن مرتکب را بمجازات کمتری محکوم نماید

مصونیت از تعقیب - بموجب ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی (که بعداً مورد تفسیر قرار خواهد گرفت) در صورت گذشت شاکی خصوصی مرتکب از تعقیب مصون میماند است مشروط بر اینکه نامبرده سابقه محکومیت نمیداشت.

مواد مزبور آنطور که باید و شاید رفع نیاز مزبور محاکم را نمیکرد و بعلاوه چون در اثر گذشت زمان کم کم از شدت نفوذ محاکم شرعی کاسته شد، با احساس وجود نواقص زیادی در عمل، ناچار مسئولین امور را بر آن داشت که نسبت بمواد مذکور تجدید نظر کاملی بعمل آورند بدینجهت در سال ۱۳۱۰ ماده ۲۰۷ لغو گردید و بجای آن ماده زیر مورد تصویب قرار گرفت.

ماده ۲۰۷ مصوب ۱۳۱۰ - کسانیکه عالماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند بحبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

- ۱ - هر زن شوهرداری که با مردی رابطه نامشروع داشته باشد.
- ۲ - هر مرد زن داری که با زنی رابطه نامشروع داشته باشد.
- ۳ - هر مردی که با زن شوهرداری رابطه نامشروع داشته باشد.
- ۴ - هر زنی که با بودن در قید زوجیت با دیگری ازدواج کند.
- ۵ - هر مردی که با زن شوهردار ازدواج کند.
- ۶ - هر عاقدی که زن شوهردار را برای تزویج کند.

در مورد فقره ۲ این ماده زوجه و در سایر موارد زوج سمت مدعی خصوصی داشته و تعقیب جزائی موکول بشکایت اوست در صورت استرداد شکایت از طرف مدعی خصوصی تعقیب جزائی موقوف میشود.

نظر قانونگذار در تصویب این ماده بجای ماده سابق اولاً این بوده که برای زنان شوهردار که مرتکب زنا میشوند نیز مجازاتی برقرار سازد و اینکه فراز اول ماده را اختصاص بمجارات زن خاطی داده است شاید بیشتر بواسطه وجود این نقطه ضعف در ماده سابق است که زن در هر حال از مجازات مصون مانده بوده است. ثانیاً بدینوسیله خواسته اند دست محاکم شرعی را از رسیدگی در مورد جرائم جنسی بکلی کوتاه سازند.

تصویب این ماده در عین حال که عده از مرتکبین را که بموجب قانون سابق قابل تعقیب نبوده اند بیای میز عدالت میکشاند معذالک اولاً موجب شد که عده دیگری از مجرمین از مجازات مصون بمانند و ثانیاً باز هم عده زیادی از مجرمین که سابقاً هم مصون از تعقیب مجازات بودند کماکان از این مصونیت استفاده نمایند. بنا بجهت معروضه بار دیگر لزوم تجدید نظر کلی تری نسبت به فصل پنجم قانون مجازات عمومی که مربوط به جرائم برضد اخلاق حسنه بود احساس شد و بالاخره برای بار دیگر در سال ۱۳۱۲ تمام فصل مزبور مورد جرح و تعدیل قرار گرفت و همین قانون است که فعلاً نیز مورد عمل محاکم میباشد و هر چند قانون مزبور نیز خالی از نقص نیست معذالک نواقص آن طوری نیست که مانع از تعقیب و مجازات مجرمین گردد.